

تئوری انتقادی^۱ در حسابداری براساس دیدگاه جرمی بنتهام^۲

مصطفی قاسمی^۱، آمنه رئیس زاده^۲

^۱ استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، ایران

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، ایران

نویسنده مسئول:

آمنه رئیس زاده

چکیده

تئوری انتقادی جنبشی فکری- فلسفی است که به دنبال نقد جامعه و فرهنگ در سر تا سر علوم اجتماعی و انسانی می‌پردازد. که دارای دو معنای کاملاً مختلف با ریشه‌های متفاوت است. یکی ریشه در جامعه‌شناسی و دیگری ریشه در نقد ادبی دارد؛ که در بخش جامعه‌شناسی تئوری غالب در مکتب فرانکفورت که نگاهی انتقاد آمیز به استفاده ازبازی از علم و فلسفه دارد و پیشرفت های علمی را وسیله ای برای رهایی انسان می داند. در بخش نقد ادبی دیدگاهی به آینده پژوهی و اینده نگردی دارد و می کوشد با تلفیق دو جریان فکری اثبات گرا و تعبیری؛ با گذراز این دو گانگی در ساختار، ادارکی گستردگی در مسیر مشارکت کنشگران در تکامل اجتماعی پدیدار شود. نظریه انتقادی تحت تاثیر مفاهیم نظریه پسا ساختارگرایانه و پسامدرن است.

پژوهش پیش رو به بررسی مفهوم نظریه انتقادی پرداخته و بخصوص تاثیر و تأثیر آن را در حسابداری در قالب یک پژوهش کتابخانه ای می پردازد. این پژوهش که بر اساس ساختار کتابخانه ای استوار می باشد بر پایه خواشش ما از نوشه های موجود در مورد حسابداری و نظرات دیگر محققان در مورد نوشه های فیلسوف و طرفدار نهضت اصلاح گری جرمی بنتهام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) می باشد. بنتهام بر این باور بود که شفافیت حسابداری باعث ارتقای پیشرفت اجتماعی و رفاه می شود، موردنی است که ارش مطالعه دارد، و با معطوف کردن توجهش به نظارت بر امور اجتماعی، باعث ارتقای احتمال ذهنیت باز و شفافیت می شود؛ شفافیت مهمترین اصل نظارت است. در اینجا با نگاهی منتقدانه به موضوع مورد پژوهش نگاه شده است.

کلمات کلیدی: تئوری انتقادی، مکتب فرانکفورت، آینده پژوهی، حسابداری انتقادی.

¹- Critical Theory

²- Jeremy Bentham

مقدمه

نمی توان از «سود» و «مطلوبیت» سخن گفت و نام «جرمی بنتهام» را بر زبان نیاورد. او اعتقاد داشت هر عملی که انجام می پذیرد باید در آن سود و فایده را جست و حال آنکه معنای سود و فایده را در مطلوبیت (لذت) می دید. هر آنچه که مطلوبیت باشد سودمند است. این متفکر انگلیسی قرن هجده و نوزده اگرچه در تفکر، عقایقی مشرب بود، اما برخلاف فیلسوفان هموطن خود که همواره بر مدار محافظه کاری و اعتدال حرکت می کردند، رفتاری انقلابی داشت. این رفتار اما برآمده از نگاه و اندیشه متفاوت وی نسبت به متفکران انگلیسی نیز بود.

متفکران انگلیسی، محافظه کار و اهل مکتب تجربی بودند، از آن روی که معتقد به سیر تکاملی طبیعی و بر این اندیشه که فهم و توانایی انسان اگر چه می تواند باری دهنده پیشرفت در این سیر تکاملی باشد اما نمی تواند تغییراتی اساسی را به وجود آورد. اما بنتهام بی اعتقاد به سیر منظم تکامل طبیعی، اعتقاد به نامنظم بودن این مسیر تکاملی داشت و از همین روی هم بود که می گفت «اکنون» ادامه «گذشته» نیست و می توان قطع رابطه کرد با آنچه پیشتر روی داده و سپس جهان را بر نقشه‌ای دیگر سازمان داد. بنتهام بنابر چنین اندیشه‌هایی، خود را به متفکران فرانسوی نزدیک می دید، اگرچه اجزای زندگی او کماکان با روحیات یک متفکر انگلیسی همخوانی داشت.

موضوعات مورد علاقه او اگر چه متنوع و متکثراً بود، از اقتصاد و الهیات تا حقوق و سیاست و از روانشناسی تا اخلاق، اما موضوع اصلی پژوهش او، حقوق بود. به همین جهت در بحث و سخن از حقوق و قانونگذاری بنتهام نظریه معروف خود، "اصل سودمندی" را مطرح می کند. او معتقد است که از میان امکانات مختلفی که در هر مورد در برابر ما وجود دارد، باید آن امکان را برگزینیم که بیشترین سعادت یا مطلوبیت (لذت) را برای افراد بیشتری مهیا می سازد: «غاایت و هدف یک قانونگذار باید سعادت مردم باشد، در امور قانونگذاری، اصل راهنمای باید سودمندی همگان باشد. اما برای اینکه این اصل را با کارایی کامل اجرا کنیم، سه شرط باید رعایت شود. نخست آنکه، باید مفهوم مشخص و دقیقی برای واژه سودمندی قائل شود. دوم آنکه باید حاکمیت عالی و تقسیم ناپذیر این اصل را با نفی مطلق هر اصل دیگر، اعلام کرد و در اجرای این اصل نیز هیچ استثنایی را در هیچ مورد قائل نشد. سوم اینکه باید نوعی روش محاسبه یا «حساب اخلاقی» را کشف کرد که به وسیله آن بتوانیم به نتایجی یکسان برسیم.

در پژوهش پیش رو به تشریح دیدگاه نظری در مورد تحلیل تاریخی حسابداری پرداخته شده است. دیدگاه همان دیدگاه نظریه انتقادی تحت تاثیر مفاهیم نظریه پسا ساختارگرایانه و پسامدرن است. دغدغه اصلی در اینجا، بحث در مورد پژوهه ای تحقیقاتی براساس این دیدگاه نظری است که برای بیش از دودهه جامعه حسابداری درگیر آن بوده است این پژوهش به دنبال خوانش نوشه های موجود در مورد حسابداری توسط فیلسوف و طرفدار نهضت اصلاح گری جرمی بنتهام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) است.

در ساختار این پژوهش ابتدا، به ارائه شرح کوتاهی در مورد چارچوب نظری مدنظر. بعد به معرفی و ارائه توجیهی بر نوشه های بنتهام در مورد حسابداری پرداخته می شود. این پژوهش با یکسری اظهارنظر در اثبات مجدد رابطه بین نوشه های بنتهام در مورد حسابداری و پیگیری فلسفه عمل در دوره حاضر پرداخته شده است.

مبانی نظری

نظریه انتقادی تحت تاثیر مفاهیم نظریه پسا ساختارگرایانه و پسامدرن است. پیشرفت های حاصل در زمینه نظریه اجتماعی و علوم انسانی که برچسب های "پسا ساختارگرایی" و "پسا مدرنیسم" گرفته اند و تاثیر زیادی در تحلیل امور اجتماعی بطور کلی دارند، بر حوزه تاریخ هم تاثیر زیادی داشته است (أتربیج و دیگران، ۱۹۸۷ یونگ، ۱۹۹۰؛ بست، ۱۹۹۵؛ بست و کلنر، ۱۹۹۷^۱).

مثبت گراترین تاریخ دانان، با تمایلات باستان شناسانه و حقیقت گرایانه شان، مدت‌ها توسط جهت گیری معرفت شناسانه تفسیرگرا و آن هایی که تاریخچه شان توسط دیدگاهی انتقادی شکل می گیرد به چالش کشیده شده اند. چنین به چالش کشیده شدنی توسط افراد تاثیرپذیر از دیدگاه های پسامدرن و پسا ساختارگرایانه اضافه و یا تصحیح شده اند. در نتیجه، تاریخ دانانی که گذشته را بصورت پیشرفته خطی و سراسری به سمت حال در نظر می گیرند توسط آن هایی به چالش کشیده شده اند که این فرض را مورد سوال قرار می دهند. در این تاریخ جدید، ویژگی های خاص گذشته توجه بیشتری را به خود جلب می کنند. و تمایلات ناپنهنگام (بی مورد نسبت به تاریخ)^۲ و یا زمانسنجی^۳ (کاسپینز، ۱۹۸۷)

¹- Attridge, Bennington and Young, 1987; Young, 1990; Best, 1995; Best and Kellner, 1997

²- anachronistic

در تحقیقات تاریخی بواسطه این دیدگاه به مشکل خورده اند که باید گذشته را جدی تر و در مقام تفاوت در نظر بگیرید. مطالعات تاریخچه انتقادی حسابداری سعی در کاربرد دیدگاه نظری انتقادی تر براساس پیشرفت های حاصل در نظریه اجتماعی و علوم انسانی که تا به حال مورد اشاره قرار گرفته اند هست. بطور اخص تحت تاثیر پسا-مارکسیسم قرار گرفته (لاکلو، ۱۹۹۰؛ لاکلو و موفه، ۱۹۸۷ و ۲۰۰۱^۳) که خود آن ها هم تحت تاثیر پسا-ساختارگرایی و نظریه پسامدرن هست (با تغییر جایگاه نظری انتقادی گرامشی مدنظر لاکلو و موفه). بطور کلی می توان تاریخچه حسابداری انتقادی را عنوان تاریخچه نظری انتقادی در نظر گرفت که توسط تعامل با نظریه پساصتخارگرایانه، پسامدرن و پسامارکسیستی تبدیل می شوند (گالهوفر و هاسلام^۴، ۲۰۰۳). در این ارتباط، مسیر درک دیدگاه های پساصتخارگرایانه و پسامدرن نه عنوان نفی بدینسانه عمل انتقادی بلکه عنوان راه ارائه احتمالات بیشتر در جهت بسط دادن و ژرفادان به عمل انتقادی (و عملگرا تر) در همراستایی با لاکلو و موفه (۱۹۸۷ و ۲۰۰۱) و لاکلو (۱۹۹۰ و ۱۹۹۶) پیش می رود. این احتمالات شامل بازتفسیر ویژگی های خاص گذشته برای کسب یکسری دیدگاه ها در مورد حال هستند: از جمله بازتفسیر اقدامات و متون مدرنی که بواسطه دیدگاه های جدید به مشکل می خورند (رادین و میسلمن، ۱۹۹۱؛ پیترس، ۱۹۹۲؛ کرامپ، ۱۹۹۵؛ گالهوفر و هاسلام، ۲۰۰۳، پراشar، ۲۰۰۹^۵).

رفتن ورای این دیدگاه که گذشته یک نسخه ساده نابالغ و به خوبی شکل نگرفته از حال است و یا این دیدگاه که حال نشان دهنده پیشرفت در گذشته است، در عمل آینجانان ساده نیست. این برخلاف آن چیزی است که افسانه ای عمیق و روش قطعی دیدن در نظر گرفته می شود (آتربیج و دیگران، ۱۹۸۷؛ یونگ، ۱۹۹۰). مجزا کردن حال (و مکان فرهنگی فعلی ما) و تلاش برای رفتن ورای درک ها و فهم های فعلی (از جمله فهم ها و ادراک های بومی) در تعریفی مطلق میسر نیست. حفظ بی پردگی و ذهن باز نسبت به آنچه در گذشته یافت می شود ممکن است دشوار باشد وقتی که نظریه سازی کلی و یا نظریه سازی قوی از قبل بکار بسته می شود (به طور مثال، نظریه سازی انتقادی که نشان دهنده منافع خاصی است). این ممکن است باعث محدود شدن راه های دیدن حدائق از نظر جنبه ها و یا بعد خاص شود. دغدغه ای باید در جهت بیرون انداختن و مکان یابی چیزهایی وجود داشته باشد که امروزه توسط چیزی پوشانده شده اند که بصورت استعاری لایه های رسوی نامیده می شوند. با این حال، داشتن و بهبود آگاهی نسبت به این مسائل ممکن است باعث ارتقای حساسیت و ذهن باز در جهت پیروی از دیدگاه نظری انتقادی می شود که توسط تفکر پساصتخارگرایانه، پسامدرن و پسامارکسیستی تصحیح و تعدیل می شوند. سعی در غلبه و یا مقابله با مشکلات اقدامی ارزشمند است. این باعث ارتقای فرست های موجود برای کسب یکسری دیدگاه ها از تاریخ (ورای دیدگاه های کلی تر در مورد تاریخ مانند کمک به درک بهتر حال) می شود. در این زمینه، حسابداری عملیاتی شده در پیش زمینه های گذشته ممکن است باعث ارائه و پیشنهاد راه هایی برای بهبود حال شود. نسخه های جدید حسابداری و عملکرد آن ممکن است در حال حاضر درک شود. درک مثال های گذشته حسابداری ممکن است باعث مشکلاتی در جنبه های حسابداری در حال حاضر شود. ادراک تاریخی ممکن است باعث ارتقای درک موجود از جنبه های آزاد کننده و سرکوب کننده حسابداری و احتمالات آن شود (گالهوفر و هاسلام، ۱۹۹۳، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۳).

چارچوب های فکر انتقادی که بر تاریخ انتقادی اعمال می شود و سه بعد را در بر می گیرد: دغدغه برای یادگیری چیزهای مختلف در عمل، دغدغه برای متصور شدن جهانی بهتر و دغدغه برای تعیین شیوه رسیدن به مکانی بهتر (بن حبیب، ۱۹۸۶؛ هلد و مک گرو، ۲۰۰۰؛ گالهوفر و هاسلام^۶). دیدگاه نظری نشانگر این ابعاد، از جمله تحقیقات تاریخی است. ولی در جهت تلاش برای یافتن ابعاد مشکل آفرین در گذشته و یا دیدگاه هایی از نظر ظرفیت های بالقوه مثبت گذشته در حال حاضر، دغدغه اصلی دوری از تمایلات موجود به سمت تفکر متعصبانه است. دغدغه داشتن ذهنیتی باز، تلاش برای ایجاد و تصحیح بحث های نظری و درک گذشته عنوان تقافت و ویژگی های خاص آن است. همین دغدغه توسط لافلین^۷ (۱۹۹۵) بیان می شود. یک دیدگاه تاریخی نظری و انتقاد، در قالب دغدغه اش برای درک چیزهای مختلف در گذشته، به دنبال درک زمینه موجود در قالب پروژه ای که در قالب نوشه های بنتهام که مورد بحث

³-chronocentric⁴-Cousins⁵-Laclau, 1990; Laclau and Mouffe, 1987, 2001⁶-Gallhofer and Haslam⁷-Radin and Michelman, 1991; Pieterse, 1992; Crump, 1995; Gallhofer and Haslam, 2003; Parashar, 2008⁸-Benhabib, 1986; Held and McGrew, 2000; Gallhofer and Haslam, 2008⁹-Laughlin

قرار می‌گیرد و اینکار را از طریق ترکیبی از تفسیر مطالب اصیل و خوانش انتقادی ادبیات ثانویه انجام می‌دهد (گالهوفر و هاسلام، ۲۰۰۳). به طور حتم در تلاش برای درک گذشته، یک دیدگاه تکراری‌بیزیر یا دوار برای تصحیح استدلال نظری باید به کار بسته می‌شود.

حسابداری جرمی بنتهام

بنتهام خیلی جلوتر از زمانی خود بود طوری که ساموئل رامیلی^{۱۰} توصیه کرد که وی چندین مورد از آثارش را منتشر نکند چون که اطمینان داشت که چاپ کردن آن‌ها منجر به دستگیری و زندانی شدن بنتهام می‌شود. بسیاری از آن‌ها که ارائه آنها به جهان را بی خطر نمی‌داند در بایگانی‌ها باقی ماند (باورینگ، ۱۸۷۷: ۳۳۹).

همانطور که آن لوفت^{۱۱} ادعا نمود، آتنونی هاپوود^{۱۲} علاقه زیادی به تبلیغ و اشاعه مطالعه نوشته‌های جرمی بنتهام در مورد حسابداری و پدیده‌های مرتبط با آن داشت. هاپوود از مطالعات توصیفی محدودتر در مورد برخی از متون نوشته شده توسط بنتهام آگاه بود که بر حسابداری تمرکز کرده بودند. علاقه هاپوود به نوشته‌های بنتهام ناشی از علاقه اش به تحلیل اجتماعی و نظریه پردازی‌های میشل فوکو^{۱۳} در قرن بیستم بود. نظر فوکو از "ساختمان سراسر بین"^{۱۴} باعث شکل گرفتن پانوپتیکان^{۱۵} توسط بنتهام بعنوان استعاره‌ای از جامعه مدرن شد. این تشریح همخوانی خوبی با شاخه‌ای از انتقاد اجتماعی در افکار بنتهام دارد که در نتیجه آن، این تشریح بهمراه تأثیر قابل توجه فوکو روی نظریه اجتماعی پذیرفته شده است که در واقع به تغییر نظریه اجتماعی در جهتی که "پساستارگرایانه" و "پسامدرن" شد. هاپوود باعث شد که لوفت با متنی نوشته باهمولر^{۱۶} (۱۹۸۱) آشنا شود، متنی که تحت تأثیر پیشرفت‌های نظریه اجتماعی است و راهی متفاوت ورای افکار گلدربرگ، ۱۹۵۷ و هیوم، ۱۹۷۰ ارائه کرد که در قالب آن بنتهام حسابداری را ورای آن چه سنت‌های امروزی شده اند در نظر گرفت.

بنتهام شخصیتی بحث برانگیز است بتنه نه بخاطر مداخله فوکو که در بالا اشاره شد. از جنبه منفی، وی بعنوان طرفدار فایده‌گرایی متریالیستی محدود ارائه شده توسط ویلیامز^{۱۷} (۱۹۸۷) و یکی از مبلغان علائق و منافع بورژوا در نظر گرفته شده است (ماک^{۱۸}، ۱۹۶۲). از نظر فوکو، پانوپتیکان مدنظر بنتهام نشان دهنده حالتی از کنترل اضباط بخش است که در بهترین حالت مبهم است و ابعاد مشکل آفرین آن مورد تاکید قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، بنتهام بعنوان یک ترقی خواه رادیکال در نظر گرفته می‌شود که اثرش به دنبال آزادی سرکوب شدگان است. در اینجا باید بر این نکته تاکید شود که هابرماس، بنتهام را در چارچوبی مثبت همچون طرفدار ایجاد فضایی عمومی با ظرفیت بالقوه اجتماعی رادیکال خاص خودش در نظر می‌گیرد (هابرماس، ۱۹۹۲؛ کالهورن، ۱۹۹۲، برونر، ۱۹۹۴ و بست، ۱۹۹۵^{۱۹}). راسل^{۲۰} (۱۹۶۲) بنتهام را بعنوان یک ترقی خواه و یک عمل گرا در یکسری از جنبه‌ها در نظر می‌گیرد. تفاسیر موجود از بنتهام تغییر کرده است چرا که وی را از منظرهای نظری متفاوتی در نظر گرفته اند و نیز بیشتر نوشته‌های وی، که تا چند مدت قبل در آرشیو کالج لندن بدون انتشار یافتن نگهداری می‌شد، نهایتاً منتشر شدند. دیدگاه‌های مختلف در مورد نوشته‌های بنتهام و تفسیرهای متنوع از آنها در ماک (۱۹۶۲)، راسل (۱۹۶۲)، لتوین (۱۹۶۵)، هیملفارب (۱۹۶۸)، فوکو (۱۹۷۷ الف و ب)، باهمولر (۱۹۸۱)، هارت (۱۹۸۲)، روسن (۱۹۸۲)، هریسون (۱۹۸۳)، بورالوی (۱۹۸۴)، لانگ (۱۹۸۷)، پوستیما (۱۹۸۸)، آکینکومی و مورای (۱۹۹۷)، ویلیامز (۱۹۸۷)، دینویدی (۱۹۸۹)، توینینگ (۱۹۸۹)، پیتکین (۱۹۹۰)، لاپونز (۱۹۹۱)، پارکه (۱۹۹۳)، سیمپل (۱۹۹۳)، کریمیز (۱۹۹۴ و ۱۹۹۶)، بلیک (۱۹۹۷)، بوین (۱۹۹۷)، بوین (۲۰۰۰) و زیزاك (۲۰۰۱)^{۲۱} گنجانده شده اند.

¹⁰ -Samuel Romilly

¹¹ -Bowring

¹² -Anne Loft

¹³ -Anthony Hopwood

¹⁴ -Michel Foucault

¹⁵ -panoptisme

¹⁶ -Panopticon

¹⁷ - Bahmueller

¹⁸ - Williams

¹⁹ - Mack

²⁰ - Habermas, 1992; see also Calhoun, 1992; Bronner, 1994; Best, 1995

²¹ - Russell

²² - Mack (1962); Russell (1962); Letwin (1965); Himmelfarb (1968); Foucault (1977a,b); Bahmueller (1981); Hart (1982); Rosen (1982); Harrison (1983); Boralevi (1984); Long (1987); Postema (1988);

با توجه به اینکه بسیاری با بنتهام از طریق خوانش فوکو در چارچوبی منفی آشنا هستند (سیمپل^{۲۳}، ۱۹۹۳)، ممکن است غیر عادی به نظر برسد که دیدگاهی انتقادی به بررسی نوشته های بنتهام در مورد حسابداری با اهدافی از جمله اندیشه باز نسبت به درک ظرفیت آزاد بخش این نوشته ها اقدام بکند. فوکو در مورد پانوپتیزم و پانوپتیکان بعنوان استعاره از جامعه مدرن فردا مطالبی نوشت. فوکو نقدی از متن های بنتهام ارائه نمی دهد ولی بر تشریح پانوپتیکان تمرکز می کند تا جامعه انضباط بخش را شرح بدهد. در اینجا باید اضافه شود که خوانش دقیق فوکو، حتی نظم و مجازات، نشان دهنده درک دوسوگراپی است که مشخصه نظریه پس اساختارگرایانه و پسا مدرن است (کاتولی^{۲۴}، ۱۹۸۸). تاکید موجود در شرح فوکو از پانوپتیسم در ارتباط با عکس حالت نظم دهنده کنترل است ولی این بخشی از تلاش موجود برای مواجه با چیزی است که وی افسانه ها و ساده سازی های مشکل آفرین در مورد تاریخ از جمله تاریخ انتقادی در نظر می گیرد. درک مشخصی از دوسوگراپی حتی در این زمینه و در شرح موجود در پانوپتیکان وجود دارد. چنین تفسیری همخوان با خوانشی است که مشخصه های یک تاریخ باز و انتقادی را در نظر می گیرد و این تاریخ نشان دهنده پیشرفت ها در نظریه علوم اجتماعی و علوم انسانی است از جمله دغدغه در مورد آزاد منشی نسبت به گذشته ورای درک یک سویه.

دلایل دیگری وجود دارند که چرا تمرکز بر نوشته های بنتهام در مورد حسابداری قابل توجه است. بنتهام در مورد حسابداری قبل از حرفة ای گری رسمی در حوزه حسابداری مطالبی نوشت. حرفة ای گری در حسابداری بر گفتمان حسابداری تاثیر گذاشت و بررسی شیوه های بررسی حسابداری قبل از حرفة ای گری رسمی آن جالب توجه خواهد بود. اگرچه، در بین نویسندها فعال در قبل از میانه قرن نوزدهم بنتهام تنها کسی نبود که در مورد شیوه کمک حسابداری به طبقه حاکم برای نظارت مدرن بهتر مطالبی نوشت و اگرچه وی تنها فیلسوف و یا محققی نبود که به حسابداری در ارتباط با ارتقای محیط اجتماعی توجه کرد جایگاه مهم حسابداری در افکار وی مشهود است. اهمیتی که بنتهام به حسابداری داد به ندرت در پیشینه تحقیقات موجود در مورد بنتهام منعکس می شود. وقتی که کامینگ^{۲۵} (۱۹۶۱) به استهزای برنامه آموزش کرستوماتیک بنتهام اقدام کرد و بر این امر تاکید کرد که این برنامه به دفترداری می انجامد، معنا و مفهوم خاص "دفترداری" در آثار بنتهام را نادیده گرفت. پس زمینه ای که بنتهام در قالب آن مطلب می نوشت هم اهمیت دارد از نظر شکل گیری فرم های نوین نظارت که همچنان تاثیرگذار است.

دیدگاه های کلیدی

در راستای خواندن نوشته های بنتهام در مورد حسابداری گستره ای به دیدگاه های جالب برخورد خواهد کرد. از آنجا که خوانش نوشته های بنتهام براساس حسابداری بعنوان نفی و یا حسابداری بعنوان کنترل مشکل آفرین است، هر کسی قادر به شناسایی مطالبی در تحلیل های انتقادی مختلف نسبت به بنتهام است که بر جنبه منفی در بنتهام تاکید دارد. این تحلیل های انتقادی از نظر دیدگاه های بنتهام در مورد حسابداری و نظارت اهمیت دارند. این موارد در اثر لوفت (۱۹۸۸) مورد تاکید قرار گرفتند.

Bentham به بررسی تنش هایی اقدام می کند که در هر پروژه ترقی خواه رادیکالی وجود دارند (Bentham کاملاً نسبت به این تنش ها آگاه است و هدفش حساسیت به خروج دادن نسبت به آن ها بود. این توسط Letwin^{۲۶} (۱۹۶۵) مورد اذعان قرار گرفته است اگر چه گاهای بنتهام آنها را بزرگنمایی می کند و اشاره به مشکلات فوری تری می کند. وی بدبانی آن است که مردم کنترل را در دست داشته باشند ولی می خواهد ابتدا آنها را هدایت بکند. در ارتباط با مداخله ها، وی ابتدا بی اعتمادی را ترویج می کند که ممکن است تاثیری مشکل آفرین بر رفتار داشته باشد. وی می خواهد به تفاوت های افراد احترام بگذارد ولی خواهان راهی به صرفه برای انجام آن است و در مورد اعمال اصول کلی اشتیاق از خود نشان می دهد. تاثیر قوی کنترل ممکن است الزاماً ترقی خواه نباشد بلکه تاثیری متضاد داشته باشد (گالهوفر و هاسلام، ۱۹۹۴).

Akinkummi and Murray (1997); Williams (1987); Dinwiddie (1989); Twining (1989); Pitkin (1990); Lyons (1991); Parekh (1993); Semple (1993); Crimmins (1994, 1996); Blake (1997); Boyne (2000); and also Žižek (2001).

²³ -Semple

²⁴ -Connolly

²⁵ -Cumming

²⁶ -Letwin

نکته مهمتر در اینجا این است که بخوبی می توان دید که چگونه پروژه هایی که از اصول بنتهام پیروی می کنند در ابعاد مشکل آفرین آنها را نشان می دهند. بطور مثال، بنتهام انتشار عمومی را در خدمت دموکراسی رادیکال و گستردگی می دانست و می خواست فعالیت های افراد نسبتاً قدرتمند را آشکار بکند. با این حال، در عمل ایده های بنتهام را می توان برای کنترل کارگران کارخانه (بطور مثال) به شیوه ای سرکوب کننده به کار برد (هارلی^{۲۷}، ۱۹۸۸). در حقیقت، همانطور که قبل اشاره شد، پروژه های خود بنتهام اگر در قالب منافع افراد تحت حکومت و سرکوب شده تشریح شوند (از جمله افراد فقیر و زندانی) نشان دهنده ابعادی مشکل آفرین هستند (گالهوفر و هاسلام، ۲۰۰۳).

تصور می شود که کاربرد دیدگاه های خاصی در تحقیقات قبلی در مطالعه بنتهام (در قرن بیستم) باعث تاکید بر وجود منفی در آثار بنتهام شده است که وی را عاشق کنترل می دانند. برخی مطالعات از این نظر مشکل آفرین هستند که تنها جنبه های منفی را می بینند و این شرحی یک سویه است. مثلاً در ارتباط با اثر لتوبین (۱۹۶۵) که اشاره به تولید "ابزارهای بهره کشی حداکثری" توسط بنتهام دارد که هیچ فضایی برای انسانیت باقی نگذاشته است. دغدغه در مطالعه بنتهام، تحت تاثیر حساسیت نظریه انتقادی نسبت به درک ماهیت پس زمینه گذشته که در آن بنتهام مطلب نوشته بوده است. آنچه مسلم است ورای دیدگاه های کرونوستریک (زمان محور)، دیدگاهی متوازن تر را به کار برد. به طور حتم دیدن ظرفیت بالقوه مثبت موجود در آثار و نوشته های بنتهام از جمله ویژگی های خاص آن را می دهد. هیچ کدام از نکاتی که تا به اینجا مطرح شده اند نشان نمی دهند که نباید در زمینه مداخله در جهت پیشرفت اجتماعی دغدغه نداشته باشد. دغدغه بنتهام مداخله کردن برای تبدیل جهان به مکانی بهتر بود. مانند این موضوع که "ذیحسابی و نظارت در خدمت بیشتریت، از جمله درک طول عمر ایده های حسابداری ترقی خواه" در ارتباط با دغدغه داشتن برای مداخله کردن و تبدیل جهان به مکانی بهتر، بنتهام حسابداری را اساس چنین پروژه ای می داند. از دیدگاه نظریه انتقادی، بررسی و سعی در درک اهمیت ایده هایی که بنتهام در این زمینه ارائه کرده است اهمیت دارد. تحلیل های یکسری پیشنهادات تجویزی را در بنتهام نشان داده است که تا حداقل در حال حاضر قابل بررسی شمرده می شوند. این پیشنهادات را می توان در نقل قول های موجود از متون بنتهام نشان داد.

بنتهام حسابداری و شفافیت را در جهت کمک به نظارت مناسب و رفاه بیشتر می دیدند (در این زمینه بنتهام از واژه "مدیریت" در متنی که در سال ۱۷۹۷ منتشر شد بهره برد). اطلاعات بهتر در اینجا عنوان گرفتن تصمیمات بهتر و اعمال نظارت بهتر درنظر گرفته می شود. ذهنیت بازتر و شفافیت بیشتر باعث کنترل رفتار می شود تا همه در جهت رفاه قدم بردارند. در تلاش برای ارتقای ذهنیت باز و شفافیت، وی به انتشار عمومی ارجاع می کند (آشکار کردن همه چیز برای عموم) و آشکار بودن حسابرسی ها را بررسی می کند. مفهوم "آشکار بودن حسابداری" به صورت گسترده ای در این زمینه استفاده شد (گالهوفر و هاسلام، ۱۹۹۵). آشکار بودن به معنای دفترداری بود چون که ثبت ها باید نگهداری می شد تا سیستم افشاگری شکل بگیرد. عبارت "حسابداری"، "شفافیت" و "دفترداری" تبدیل به عبارات معادل هم در آثار بنتهام شدند. بازبودن یا دسترسی عمومی ایده ای افراطی در زمان بنتهام بود. در ابتدای قرن نوزدهم، حکومت بریتانیا بسیار دیکتاتور منش و ضد دموکراسی بود (موت، ۱۹۸۴). شفافیت حسابداری در گفتمان دولت بریتانیا مرتبط با انقلاب در نظر گرفته می شد (گالهوفر و هاسلام، ۱۹۹۵). نقل قول زیر نشان دهنده چیز مهمی است که بنتهام در ارتباط با حسابداری در جهت نظارت می دید. "با راهنمایی و تحت کنترل سیستم دفترداری، مدیریت باید توسط معمولی ترین افراد و نه تواناترین افراد صورت بگیرد" (بنتهام، ۱۷۹۷: ۱۰۱-۱۰۰).

اصل "بررسی- محلی" بنتهام در سیستم نظارت وی که شامل شفافیت هم است نشان گر ذهنیتی عملگر، آگاه از پس زمینه، محتاط و حساس است. وی اذعان دارد که افشاء همه چیز مشکل آفرین است- و یا فضاهای خصوصی محرومگی وجود دارند (گالهوفر و هاسلام، ۱۹۹۳). در اینجا به عدم تمایلش به اعمال یکپارچی به صورت افراطی اشاره می شود در حقیقت انواع مختلف نظارت برای اهداف و پس زمینه های خاصی بهتر هستند (گالهوفر و هاسلام، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۳). نقل قول زیر از بنتهام در مورد اصل "بررسی محلی"^{۲۸} است: "از نظر دفتر داری اصل بررسی محلی نباید باعث شود که اصل انسجام و عمومیت به صورت افراطی پیگیری شود" (بنتهام، ۱۹۷۹: ۵۰ و ۵۳).

اذعان وی به دو وظیفه اصلی یک سازمان خرد بود (اصلی که ورای "کارگاه صنعتی" اعمال می شد، گالهوفر و هاسلام، ۱۹۹۳) و این نشان دهنده توصیه ای قوی و موکد بود که اکنون "مسئلوبیت اجتماعی شرکت" در عصر حاضر مثالی از آن می تواند باشد (گامبلینگ، ۱۹۷۴؛ زیزاك پروزان و ایوانس، ۱۹۹۷؛ آدامز و هارت، ۲۰۰۰؛ لمان، ۲۰۰۱؛ کوبر و

²⁷ -Hartley

²⁸ -local-consideration principle

دیگران، ۲۰۰۵^{۲۹}. بنتهام اشاره می کند که شفافیت در مورد موضوعاتی که ماهیت اخلاقی دارند به طور اخص برای اطمینان از این که مدیران "وظیفه شان نسبت به انسانیت" را ایفا می کنند به کار می رود. به این مفهوم، اهمیت بیشتری نسبت به "شفافیت نسبت به وظیفه فرد نسبت به اقتصاد" داده شده است. اگر به همپوشانی بین این وظایف اشاره شود، این به نظر خلاف جایگاه و وضعیت در حال حاضر است. بنتهام به شرح دیدگاهش در قالب جملات زیر اقدام می کند: "وظیفه مدیرکارگاهی صنعتی دو شاخه دارد: وظیفه نسبت به افرادی که تحت مراقبت وی قرار دارند انسانیت و وظیفه نسبت به رئیس هایش (شرکت) که در چارچوب اقتصاد خلاصه می شود. شفافیت، موثرترین ابزار اعمال انگیزه های اخلاقی، در جهتی است که باعث تقویت اتحاد بین منافع و جنبه انسانی تعهد می شود (بنتهام، ۱۷۹۷، ۵۲-۵۱). علاوه بر این، دغدغه بنتهام در این مورد که شفافیت باید "چندین الزام" را رعایت بکند، چیزی که وی آنها را عموماً قابل اعمال می دارد و نشان می دهد که بنتهام به دنبال آن بود که شفافیت باید به نفع یکسری افراد صاحب رای باشد و این مشابه با دیدگاه ذینفع بودن است که امروز به کار می رود (که اغلب در ارتباط با افشاگران مسئولیت اجتماعی شرکت است).

(دفترداری) عنوان ابزاری اساسی برای محقق کردن چندین الزام به شمار می رود که جهت گیری شرکت باید نسبت به چند شخص مختلف و ذینفع یعنی ذینفعان، سهامداران، دولت و عامه مردم باید نشانگر آنها باشند (بنتهام، ۱۹۷۹: ۹۹-۱۰۰).

بنتهام همچنین خواهان شفافیت برای برقراری ارتباط بود و می خواست ورای تخصص و مهارت موجود برود. شفافیت باید براساس هدف آن شکل می گرفت. جفت مشاهدات زیر نشان دهنده آن هستند که بنتهام را می توان دارای دیدگاهی انتقادی نسبت به حسابداری در نظر گرفت.

حسابداری شفاف، کامل، دقیق و قابل استفاده راحت در صورت بروز خطأ مخفی نکردن آن بلکه نشان دادن آن و همخوانی با هدف عملی خاصی که برای نیل به آن هدف نیروی کار مشخصی به کار رفته است نشان دهنده مشخصات مطلوبی است که در سیستمی این چنینی مدنظر است (بنتهام، ۱۸۱۶: ۶۱-۲).

شكل ایتالیایی حسابداری که مبنی بر دفترداری دو مدخله است زبانی مشتمل بر داستان های مختلف است و توسط هیچ کسی به جز رده های بالاتر تاجری و منشی های آن ها درک شده اند. کاربرد حقیقی موضوعی است که ارزش بررسی بیشتر را دارد (بنتهام، ۱۷۹۷: ۱۰۶).

این نقل قول ها نشان می دهند که افراط گرایی روز افزون بنتهام در شیوه بررسی حسابداری توسط وی انعکاس پیدا می کند یعنی دیدگاه انتقادی وی که نشانه ای از پیشرفت اجتماعی اجتماعی است و دیدی کلی از رفاه را بدست می دهد که صرفاً محدود به دیدگاهی مادی گرایانه نیست. او این ایده ها را در ۲۰۰ سال قبل نوشت و این نشان دهنده ماندگاری آنهاست و کمی ارزش تاریخی به اهمیت آنها در حال حاضر می افزاید.

قدر مسلم تشریح شیوه ای که چنین دیدگاهی باعث شکل گرفتن دیدی انتقادی در حال حاضر می شود قابل توجه است. در اینجا این امر شرح داده می شود که چگونه اقدامات و فعالیت های ارتباطاتی باعث به جلو بردن یکسری منافع، هویت ها و پروژه ها می شود که ترقی خواه هستند و چگونه آن ها می توانند بخشی از منافع متفاوت باشند که باعث ارتقای رفاه می شوند. در واقع شفافیت حسابداری باعث ارتقای ذیحسبای در جهت رفاه اجتماعی می شود. ابعاد مشکل آفرین تر و یا منفی تری که قبل از مورد بحث قرار گرفتند را می توان در قالب خطاها یی بالقوه در نظر گرفت که نشان دهنده نیاز به دیدگاهی محتاطانه و عملگرایست.

²⁹ -regard Gambling, 1974; Zadek, Pruzan and Evans, 1997; Adams and Harte, 2000; Lehman, 2001; Cooper, Taylor, Smith and Catchpole, 2005

تشریح حسابداری در قالب فعالیت‌های بنتهام برای طراحی حسابداری در جهت پیشرفت اجتماعی

نوشته‌های بنتهام در مورد حسابداری را قدمی در جهت تشریح گستردۀ تر حسابداری در نظر گرفت که امروز هم اهمیت دارد. این باعث به چالش کشیده شدن دیدگاه‌های مرسوم نسبت به حسابداری می‌شود که بطور اخص در این حرفه، گفتمان‌های عادی و حوزه دانشگاهی تأثیرگذار بوده اند. دیدگاه موجود در متون بنتهام تا حدودی توسط هاسکین و ماکوی^{۳۰} (۱۹۸۶) و اثر خود ما بازتاب پیدا کرده است. ذهنیت باز حفظ شده در فرایند تاریخ انتقادی مان به ما امکان کسب دیدگاه‌هایی کلیدی از بررسی متون گذشته را می‌دهد. در این جا، ما به آثار قبلی با اشاره به این نکته می‌افزاییم که نقش بنتهام در تشریح وضعیت حسابداری (گالهوفر و دیگران، ۲۰۱۵) راهی برای خلاصه کردن نوشه‌هایش در مورد حسابداری را می‌دهد و می‌توان آن را بسط دادن و اضافه کردن به یادداشت‌های قبلی در نظر گرفت.

Bentham به دفترداری و شفافیت در قالب اقدام گستردۀ نظارت اشاره می‌کند که گستردۀ وسیعی از کاربردها برای اهداف متنوع دارد: "در مكتب کریستوماتیک، اصل نظارت نشان داد که هدف باید پیگیری شود ولی به نسبت گستردگی حوزه مفروض، و میزان و گستردگی کاربرد آن شاهد تعدیل هایی هستیم. در قالب اعمال جامع ترین هنر مفید برای نظارت، یعنی دفتر داری، این میسر می‌شود" (Bentham, ۱۸۱۶: ۶۲).

حسابداری محدود به "اقتصاد پولی" نیست بلکه همه اهداف مدیریت و یا نظارت را پوشش می‌دهد. "اقتصاد پولی، که معمولاً عنوان تنها هدف از دفترداری در نظر گرفته می‌شود، تنها یکی از کاربرد هاست چرا که سیستم دفترداری چیزی بیشتر و یا کمتر از تاریخچه سیستم مدیریت در همه جزئیاتش نیست" (Bentham, ۱۷۹۷: ۱۰۱؛ دانشگاه کالج لندن، بنتهام، آرشیوها: ۳۶۰).

حسابداری ابزاری در دموکراسی رادیکال است و نباید تنها منافع قدرتمندان و ثروتمندان را مدنظر قرار بدهد بلکه باید در خدمت سرکوب شدگان و فقرا هم باشد.

"دفتر داری یکی از هنرهایی بود که باید آن را فرا می‌گرفتم؛ فریادهایی که فقراء با صدای بلند می‌کشند باعث تسریع پاسخ به درخواست هایشان باید بشود".

دفترداری تجاری و شفافیت حسابداری تجاری یکی از شاخه‌های حوزه گستردۀ تر دفترداری و شفافیت حسابداری است: "این فرایند یا عملیات تجاری، تحت نام دفترداری در واقع شاخه و یا کاربرد خاصی از هنری با گستردۀ ترین حوزه است یعنی دفترداری در مقیاس کلی تر آن" (Bentham, ۱۸۱۶: ۶۱).

به طور کلی، حسابداری را باید براساس ابعاد پیشرفت اجتماعی به کار برد. این ایده‌ها بازتاب دهنده دیدگاه گالهوفر و دیگران (۲۰۱۵) هستند که به شرح حسابداری براساس دیدگاه عملگرای جدید انتقادی و پسا مارکسیستی اقدام کردن. تصور بنتهام از شفافیت حسابداری همخوان با دغدغه موجود برای مداخله کردن و سعی در تبدیل کردن جهان به مکانی بهتر است. تحلیل نوشه‌های بنتهام نشان از احتیاط و دقت در مورد شیوه انجام این کار است. چیزهای زیادی هستند که ممکن است مشکل آفرین باشند و در نتیجه چیزهای زیادی ممکن است به مشکل بخورند. ولی دغدغه موجود برای یافتن راهی از بین نکات منفی و دغدغه موجود برای مداخله و تغییر اوضاع جزئی‌های اصلی این عمل انتقادی به شمار می‌رond. پیام بنتهام از صدها قبل نشان دهنده اهمیت حسابداری در این زمینه است.

نتیجه گیری

تصور بنتهام این بود که شفافیت حسابداری باعث ارتقای پیشرفت اجتماعی و رفاه می شود موردی است که ارزش مطالعه دارد، و با معطوف کردن توجهش به نظارت بر امور اجتماعی، بنتهام نشان می دهند که آشکار بودن برای عموم، ذهنیت باز و شفافیت در خدمت اصل ثانویه پانوپتیکان وی هستند. چون که منطق موجود برای طرح پانوپتیکان این است که باعث ارتقای احتمال ذهنیت باز و شفافیت می شود، بنتهام می توانست شفافیت را مهمترین اصل نظارت از دیدگاه خودش می نامید.

با بررسی و تحلیل دقیق نوشته های بنتهام در مورد شفافیت، استفاده از دیدگاهی انتقادی در مورد تاریخ از منظر تفکر پس اساختارگرایانه و پسامدرن، ما توانستیم دیدگاه هایی کلی را در مورد ظرفیت بالقوه شفافیت در ایجاد فایده و سود اجتماعی بدهست آمد. در عین حال، دیدگاه هایی در مورد مسائل مشکل آفرین شفافیت بصورت بالقوه ارائه شد. برخی از این دیدگاه ها منتج از نوشته های خود بنتهام هستند که بازتاب دهنده دیدگاهی انتقادی در مورد حسابداری هستند. نوشته های بنتهام نشانگر استمرار بسیاری از حسابداری های پشنهدادی است از جمله شکلی از حسابداری اجتماعی خرده سازمانی تحت عنوان و بهانه اخلاقی تر کردن اقدامات خرده سازمانی. در برخی زمینه ها، درک چنین استمراری در بهبود فعالیت ها در حوزه سیاست گذاری و گفتمان های عمومی مفید خواهد بود. این بحث را می توان مطرح کرد که بنتهام نقش زیادی در تدوین مجدد تعریف حسابداری داشت و این شامل چیزی است که وی آن را دفتر داری در کاربرد روزمره تر آن می داند (یعنی دفترداری تجاری). این نوع دفتر داری همخوان با تعهد بالای وی به مرتبط کردن گستره ای از فرم های شفافیت حسابداری به اهداف ترقی خواهانه در جهت بهبود رفاه است. در نتیجه، اثر گالهوفر و دیگران (۲۰۱۵) را میتوان تلاش تبدیل تعریف گسترده ولی کاربردی حسابداری به دیدگاه انتقادی عملگر، جدید و پسامارکسیستی دانست.

شایان ذکر است این پژوهش به دنبال تبلیغ و اشاعه جایگاه بنتهام و برگشت به مدرنیسم نیست و نه باور دارد که بنتهام جایگاه بالایی در کاربرد نظریه برای عمل دارد. اما با خوانش نوشته های بنتهام از طریق دیدگاه های نظریه انتقادی می توان نگاهی منتقدانه به نقص های متون بنتهام هم داشت.

امروزه، این حوزه جهانی از کمبود نظارت دموکراتیک برای ارتقای رفاه اجتماعی رنج نمی برد و هر یک از دولت ها بر آنچه نمی توانند انجام بدهند تاکید دارند (مثلاً صرف منابع برای حفظ و یا ارتقای سیستمی در حمایت از رفاه اجتماعی) و بر آنچه باید انجام بدهند هم تاکید می کنند (مثلاً کاهش مالیات شرکت ها و کاهش مالیات بر جریان های درآمد مالی) و به این وسیله بر نیاز موجود برای ارتقا و یا حفظ رقابت پذیری تاکید می کنند و در مسابقه ای گرفتار می شوند که همخوان با حداقل استانداردهای جهانی هستند و دموکراسی ملی را به سخره می گیرند (هلد و مک گرو، ۲۰۰۰). مسابقه به سمت حداقل های استانداردهای جهانی که در حال حاضر به نفع افراد ثروتمند در جهان است ولی جهت گیری نامشخصی دارد چرا که بطور کلی تهدید کننده است و بطور کلی پاسخی ضعیف به مشکلات جهان به شمار می رود. خوانش نظریه انتقادی نشان دهنده حالتی است که بنتهام دو قرن پیش به آن اشاره کرد و نیاز به وجود زیرساخت جهانی بهتر از جمله شفافیت حسابداری برای رفاه جهانی بیشتر را مدنظر قرار داد در اینجا بنتهام از واژه "بین المللی" استفاده کرد و خودش را "شهروند جهان" می دانست. وی همچنین حساسیتش نسبت به مشکلات ایجاد کردن و عملیاتی کردن چنین زیرساختی را نشان داد. از دیدگاهی انتقادی، که الهام گرفته از بینش های پس اساختارگرایانه و پسا مدرن باشد، خواندن آثار بنتهام در مورد حسابداری باعث روشن شدن ابعاد مهمی می شود و نکاتی برای عملی کردن برای همین امروز فراهم می آورد.

منابع و مراجع

- 1- Adams, C. A. and G. Harte (2000). "Making discrimination visible: the potential of social accounting," *Accounting Forum*, 24(1): 56–79.
- 2- Agger, B. (1992). *The Discourse of Domination: From the Frankfurt School to Postmodernism*, Evanston, IL: Northwestern University Press.
- 3- Akinkummi, A. and K. Murray (1997). "Inadequacies in the Mental Health Act, 1983 in relation to mentally disordered remand prisoners," *Medicine, Science and the Law*, 37(1): 53–7.
- 4- Anonymous (1832). *An Address to the British Public by the Saint Simonian Missionaries*, London: Rolandi, Bossange, Barthes and Lowell, MA: Effngham and Wilson.
- 5- Attridge, D., G. Bennington and R. Young (1987) (eds). *Post-structuralism and the Question of History*, Cambridge: Cambridge University Press.
- 6- Bahmueller, C. (1981). *The National Charity Company: Jeremy Bentham's Silent Revolution*, Berkeley, CA: University of California Press.
- 7- Barker, C. (2003). *Cultural Studies: Theory and Practice*, London: Sage Publications.
- 8- Beck, U. (2015). *The Reinvention of Politics: Rethinking Modernity and the Global Social Order*, Oxford: John Wiley and Sons.
- 9- Benhabib, S. (1986). *Critique, Norm and Utopia: A Study of the Foundations of Critical Theory*, New York: Columbia University Press.
- 10- Bentham, J. (1797). *Pauper Management Improved: Particularly by Means of an Application of the Panopticon Principle of Construction*, London (frst published 1797 in Arthur Young's *Annals of Agriculture*, frst published separately, 1812, London, from which the quotations are taken).
- 11- Bentham, J. (1816). *Chrestomathia*, London.
- 12- Best, S. (1995). *The Politics of Historical Vision: Marx, Foucault, Habermas*, New York: Guilford Press.
- 13- Best, S. and D. Kellner (1997). *The Postmodern Turn*, New York: Guilford Press.
- 14- Blake, K. (1997). "Bleak House, political economy, Victorian studies," *Victorian Literature and Culture*, 25(1): 1–21.
- 15- Boralevi, C. L. (1984). *Bentham and the Oppressed*, Berlin and New York: de Gruyter.
- 16- Bowring, J. (1877). *Autobiographical Recollections of Sir John Bowring with a brief memoir by Lewin B. Bowring*, London: Henry S. King.
- 17- Boyne, R. (2000). "Post-Panopticism," *Economy and Society*, 29(2): 285–307.
- 18- Breckman, W. (2013). *Adventures of the Symbolic: PostMarxism and Radical Democracy*, New York: Columbia University Press.
- 19- Bronner, S. E. (1994). *Of Critical Theory and Its Theorists*, Oxford: Blackwell.
- 20- Calhoun, C. (1992) (ed.). *Habermas and the Public Sphere*, Cambridge, MA: MIT Press.
- 21- Calhoun, C. (1995). *Critical Social Theory: Culture, History and the Challenge of Theory*, Oxford: Blackwell.
- 22- Caplan, J. (1989). "Postmodernism, poststructuralism and deconstruction: notes for historians," *Central European History*, 22 (3–4): 260–78.
- 23- Connolly, W. (1988). *Political Theory and Modernity*, Oxford: Blackwell.
- 24- Cooper, C., P. Taylor, N. Smith and L. Catchpole (2005). "A discussion of the political potential of social accounting," *Critical Perspectives on Accounting*, 16(7): 952–74.
- 25- Cousins, M. (1987). "The practice of historical investigation," in D. Attridge, G. Bennington and R. Young (eds): *Post-structuralism and the Question of History*, Cambridge: Cambridge University Press.
- 26- Crimmins, J. E. (1994). "Bentham's political radicalism re-examined," *Journal of the History of Ideas*, 55(2): 259–81.

- 27 Crimmins, J. E. (1996). "Contending interpretations of Bentham's utilitarianism," *Canadian Journal of Political Science / Revue Canadienne de Science Politique*, 29(4): 751–77.
- 28- Critchley, S. and O. Marchart (2004). *Laclau: A Critical Reader*, London: Psychology Press.
- 29- Crump, S. (1995). "Towards action and power: post-enlightenment pragmatism?" *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, 16(2): 203–17.
- 30- Cullen, M. J. (1975). *The Statistical Movement in Early Victorian Britain: The Foundation of Empirical Social Research*, Hassocks: Harvester Press.
- 31- Cumming, I. (1961). *Useful Learning: Bentham's Chrestomathia with Particular Reference to the Influence of James Mill on Bentham*, University of Auckland, Bulletin No. 56, Ed. Series No. 3.
- 32- Derrida, J. (1996). "Remarks on deconstruction and pragmatism," in C. Mouffe (ed.): *Deconstruction and Pragmatism*, London and New York: Routledge.
- 33- Dinwiddie, J. (1989). *Bentham*, Oxford: Oxford University Press.
- 34- Evans, E. J. (1983). *The Forging of the Modern State: Early Industrial Britain, 1783-1870*, 2e, London: Longman.
- 35- Foot, P. (1984). *Red Shelley*, London: Bookmarks.
- 36- Foucault, M. (1977a). "L'oeil de pouvoir, preface to Bentham, J. Le Panoptique," Paris: Belfond.
- 37- Foucault, M. (1977b). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*, translated by A. Sheridan, Harmondsworth, UK: Penguin Books.
- 38- Gallhofer, S. and J. Haslam (1991). "The aura of accounting in the context of a crisis: Germany and the First World War," *Accounting, Organizations and Society*, 16(5–6): 487–520.
- 39- Gallhofer, S. and J. Haslam (1993). "Approaching corporate accountability: fragments from the past," *Accounting and Business Research*, 23(s1): 32–30.
- 40- Gallhofer, S. and J. Haslam (1994a). "Accounting and the Bentham's: accounting as negation," *Accounting Business and Financial History*, 4(2): 293–73.
- 41- Gallhofer, S. and J. Haslam (1994b). "Accounting and the Bentham's: or, accounting's potentialities," *Accounting, Business and Financial History*, 4(3): 431–60.
- 42- Gallhofer, S. and J. Haslam (1995). "Accounting and modernity," *Advances in Public Interest Accounting*, 6: 203–32.
- 43- Gallhofer, S. and J. Haslam (1996). "Analysis of Bentham's chrestomathia: or, towards a critique of accounting education," *Critical Perspectives on Accounting*, 7(1–2): 13–31.
- 44- Gallhofer, S. and J. Haslam (2003). *Accounting and Emancipation: Some Critical Interventions*, London and New York: Routledge.
- 45- Gallhofer, S. and J. Haslam (2006). "Mobilising accounting in the radical media during the First World War and its aftermath: the Case of Forward in the context of red Clydeside," *Critical Perspectives on Accounting*, 17(2): 224–52.
- 46- Gallhofer, S. and J. Haslam (2008). "The possibilities of accounting in the global context: critical reflections on the internet as a new technology of communication," in M. Lada and A. Kozarkiewicz (eds): *Rachunkowosc: w otoczeniu nowych technologii*, Warsaw: Beck.
- 47- Gallhofer, S., J. Haslam and A. Yonekura (2015). "Accounting as differentiated universal for emancipatory praxis: accounting delineation and mobilization for emancipation(s) recognising democracy and difference," *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 28(5): 846–74.
- 48- Gambling, T. (1974). *Societal Accounting*, London: George Allen and Unwin.
- 49- Goldberg, L. (1957). "Jeremy Bentham: critic of accounting method," *Accounting Research*, 8: 218–45.
- 50- Grossberg, L. (1986). "History, politics and postmodernism: Stuart Hall and

- cultural studies," *Journal of Communication Inquiry*, 10(2): 61–77.
- 51- Habermas, J. (1992). *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society*, translated by T. Burger with the assistance of F. Lawrence, Cambridge, MA: MIT Press.
- 52- Harrison, R. (1983). Bentham, London: Routledge and Kegan Paul.
- 53- Hart, H. L. A. (1982). *Essays on Bentham's Jurisprudence and Political Theory*, Oxford: Oxford University Press.
- 54- Hartley, D. (1998). "In search of structure: theory and practice in the management of education," *Journal of Education Policy*, 13(1): 153–62.
- 55- Held, D. and A. McGrew (2000) (eds). *The Global Transformation Reader: An Introduction to the Globalization Debate*, Cambridge: Polity Press in association with Blackwell.
- 56- Himmelfarb, G. (1968). "The Haunted House of Jeremy Bentham," in G. Himmelfarb (ed.): *Victorian Minds*, New York: Knopf.
- 57- Hoskin, K. and R. Macve (1986). "Accounting and the examination: a genealogy of disciplinary power," *Accounting, Organizations and Society*, 11(2): 105–36.
- 58- Howarth, D., A. Norval and Y. Stravrakis (2002) (eds). *Discourse Theory and Political Analysis*, Manchester: Manchester University Press.
- 59- Hume, L. (1970). "The development of industrial accounting: the Bentham's contribution," *Journal of Accounting Research*, 8(1): 21–33.
- 60- Kolb, D. (1986). *The Critique of Pure Modernity: Hegel, Heidegger and After*, Chicago IL: University of Chicago Press.
- 61- Laclau, E. (1990). *New Reflections on the Revolution of Our Times*, London: Verso.
- 62- Laclau, E. (1996). *Emancipation(s)*, London: Verso.
- 63- Laclau, E. and C. Mouffe (1987). "Post-Marxism without apologies," *New Left Review*, 166: 79–106.
- 64- Laclau, E. and C. Mouffe (2001). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*, 2e, London: Verso.
- 65- Landry, L. Y. (2000). *Marx and the Postmodern Debates: An Agenda for Critical Theory*, Santa Barbara, CA: Praeger Publishing.
- 66- Laughlin, R. C. (1995). "Empirical research in accounting: alternative approaches and a case for 'middlerange' thinking," *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 8(1): 63–87.
- 67- Lechte, J. (2006). *Fifty Key Contemporary Thinkers: From Structuralism to Postmodernity*, London and New York: Routledge.
- 68- Lehman, G. (2001). "Reclaiming the public sphere: problems and prospects for corporate social and environmental accounting," *Critical Perspectives on Accounting*, 12(6): 713–33.
- 69- Letwin, S. R. (1965). *The Pursuit of Certainty: David Hume, Jeremy Bentham, John Stuart Mill, Beatrice Webb*, Cambridge: Cambridge University Press.
- 70- Liu, A. (2009). *Local Transcendence: Essays on Postmodern Historicism and the Database*, Chicago, IL: University of Chicago Press.
- 71- Loft, A. (1988). *Understanding Accounting in its Historical and Social Context: The Case of Cost Accounting in Britain, 1914-1925*, New York: Garland.
- 72- Long, D. (1987). "Bentham as revolutionary social scientist," *Man Nature*, 6: 115–45.
- 73- Lyons, D. (1991). *In the Interest of the Governed: A Study of Bentham's Principle of Utility and Law*, revised edition, New York: Oxford University Press.
- 74- Mack, M. P. (1962). *Jeremy Bentham: An Odyssey of Ideas, 1748-1792*, London: Heinemann
- Mouffe, C. (1993). *The Return of the Political*, London: Verso.
- 75- Parashar, A. (2008). "Re-conceptualizing regulation, responsibility and law," *Macquarie Law Journal*, 8: 59–77.
- 76- Parekh, B. (1993) (ed.). *Jeremy Bentham: Critical Assessments*, London:

Routledge.

- 77- Patterson, T. (1989). "Post-structuralism, post-modernism: implications for historians," *Social History*, 14(1): 83-8.
- 78- Pieterse, J. N. (1992). "Emancipations, modern and postmodern," *Development and Change*, 23(3): 5-41.
- 79- Pitkin, H. F. (1990). "Slippery Bentham: some neglected cracks in the foundations of utilitarianism," *Political Theory*, 18(1): 104-31.
- 80- Polanyi, K. (1945). *Origins of Our Time: The Great Transformation*, London: Victor Gollancz.
- 81- Postema, G. J. (1988). "Bentham's equality-sensitive utilitarianism," *Utilitas*, 1(1): 41-61.
- 82- Radin, M. J. and F. Michelman (1991). "Pragmatist and poststructuralist critical legal practice," *University of Pennsylvania Law Review*, 139(4): 1019-38.
- 82- Rosen, F. (1982). "Jeremy Bentham: recent interpretations," *Political Studies*, 30(4): 575-81.
- 83- Russell, B. (1962). *History of Western Philosophy and its Connection with Political and Social Circumstances from the Earliest Times to the Present Day*, London: Allen and Unwin.
- 84- Schöttler, P. (1989). "Historians and discourse analysis," *History Workshop Journal*, 27(1): 37-65.
- 85- Semple, J. (1993). *Bentham's Prison: A Study of the Panopticon Penitentiary*, New York: Oxford.
- 86- Twining, W. (1989). *Reading Bentham*, London: British Academy.
- 87- Veron, J. (1994). "Who is afraid of the linguistic turn – the politics of social history and its discontents," *Social History*, 19(1): 81-97.
- 88- Williams, R. (1987). *Culture and Society: Coleridge to Orwell*, London: The Hogarth Press.
- 89- Young, R. (1990). *White Mythologies: Writing History and the West*, London and New York: Routledge.
- 90- Zadek, S., P. Pruzan and R. Evans (1997) (eds). *Building Corporate Accountability: Emerging Practices in Social and Ethical Accounting, Auditing and Reporting*, London: Earthscan Publications.
- 91- Žižek, S. (2001). *Did Somebody Say Totalitarianism? Five Interventions in the (Misuse) of a Notion*, London: Verso.